

## شهید محمدرضا حیدری



نام پدر	قاسم
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۱/۰۷
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	خارک

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

محمدرضا فرزند قاسم در روز چهاردهم شهریور ماه ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی در جزیره خارگ دیده به جهان گشود. مادر مؤمن و مهربان وی نصرت جوکاری نام داشت.

محمد رضا کودکی را در کوچه پس کوچه های خاکی خارگ با بازی های کودکانه، رؤیاها و آرزوهای شیرین خود سپری کرد. دوران ابتدایی را در دبستان فعلی شهدا در خارگ آغاز کرد. با شروع جنگ تحمیلی و بمباران های دشمن و ناامن شدن جزیره خارگ به همراه خانواده به خورموج نقل مکان نمود. و کلاس پنجم را در دبستان مصطفوی خورموج گذراند.

محمدرضا به دلیل تنگدستی و مشکلات زندگی نتوانست دوره راهنمایی را ادامه دهد به ناچار به خارگ آمد و به عنوان کارگر ساده در واحد سنگرسازی شرکت نفت در کنار پدر گرامی خود مشغول به کار شد تا بدین وسیله در امرار معاش دستگیر پدر باشد.

او تمام حقوق دریافتی خود را به عنوان کمک خرج به پدر می داد خدا خواسته بود محمد رضا با چشیدن طعم سختی ها و مشکلات، جسم و روحش پرورده و ساخته شود تا وقت امتحان الهی و گلچین نمودن بهترین بندگانش، او نیز با افتخار و سربلندی از آزمون بیرون آید.

محمد رضا علاقه زیادی به فعالیت های مذهبی و شرکت در برگزاری ایام عزاداری و سوگواری های دینی داشت به ویژه در ایام محرم و صفر همیشه در صفوف عزاداران حسینی قرار داشت از نظر اخلاقی جوانی آرام و مهربان بود و با همسایه ها و اقوام رفتار خیلی خوب و شیرینی داشت. با همه آنها آمد و شد داشت و در صورت لزوم به یاری آنها می شتافت.

### شهید و دفاع مقدس

محمدرضا از ابتدای تاسیس بسیج در خارگ به عضویت بسیج در آمد و شبها بصورت افتخاری به گشت زنی و نگهبانی می پرداخت. و همیشه با بسیج ارتباط نزدیک داشت.

سال ۱۳۶۵ ملت قهرمان و سلحشور ایران برگ زرین دیگری در تاریخ جنگ تحمیلی رقم زد و بر کتاب قطور افتخارات خود افزود. اعزام کاروان یکصد هزار نفری سپاهیان محمد شور و ولوله ای در اقصی نقاط خاک میهن اسلامی و بویژه دلهای جوانان انداخته بود. او هر چند خود سنگرسازی بی سنگر بود اما می خواست روح بی قرار خود را در جبهه های نبرد و در رویارویی با دشمن متجاوز آرام نماید.

محمدرضا به هوای سرگویی یار با یاران و برادران خود در آبان ماه ۱۳۶۵ همراه برادرش حسین به جبهه اعزام شد. در عملیات غرور آفرین کربلای ۴ به عنوان آرپی جی زن لباس رزم پوشید.

## خاطرات

تو باید پیش مادر برگردی

مادر شهید نقل می کند محمد رضا به برادرش حسین می گفت که: «تو پشت سر من بایست تا تیر نخوری تا یکی از ما دو نفر نزد مادر برگردد» او پس از شرکت در عملیات کربلای ۴ در عملیات کربلای ۵ نیز همراه و پا به پای برادرش حسین بود. هنگام شهادت سرش بر روی پای برادرش حسین بود و در آغوش برادر، معشوق دلربای خود را در آغوش کشید و خلعت زیبای شهادت را بر قامت چون سرو خود پوشید و به آرزوی دیرین خود رسید. آنگاه بود که برادرش حسین به فرموده مولا و مقتدایش سید الشهداء افتاد که وقتی بالای سر برادر رشیدش ابوالفضل العباس رسید، دست ها را به آسمان بلند کرد و گفت: «الان انکسر ظهري»

پدر بزرگوارش که خود نیز از رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس و یادگاران سال های خون و حماسه است، اذن طلبیدن فرزند رشیدش را جهت رفتن به میدان نبرد، پس از خواندن این دو بیتی که خودش سروده است اینگونه شرح می دهد:

نه از چشمم رود نقش جمالت

نه از دل می رود هرگز خیالت

نخواهد رفت هرگز یاد قاسم

صفا و معرفت، فهم و کمالت

«یک روز محمدرضا آمد پیش من گفت: پدر جان اجازه بده تا من هم مثل برادرانم به جبهه بروم. گفتم: پسرم برادرانت جبهه هستند و خودم هم تازه از جبهه برگشته ام بگذار آنها برگردند، تو بمان و به من کمک کن.»

جواب داد: پدر جان من هنوز ساخته نشده ام بگذار به جبهه بروم تا خودم را بسازم. این حرف روی من خیلی اثر کرد. مثل اینکه قفلی بر دهان من زدند. به همین خاطر به محمدرضا اجازه دادم تا به جبهه برود.»

او به برادرش حسین پیوست. محمدرضا با شجاعت و شهامت تمام و اراده پولادین خود چون علی اکبر حسین (ع) در کربلای چهارم مردانه نبرد کرد. پس از آن به عنوان خط شکن در عملیات کربلای ۵ هم شرکت نمود. با وجود اینکه در ساعت ۳ روز ششم بهمن سال ۱۳۶۵ قبل از آغاز عملیات بر اثر اصابت ترکش خمپاره از ناحیه دست و پا زخمی شده بود، حاضر به برگشت به عقب جهت مداوا نشد. او ماند تا ساعاتی بعد به آرزوی خود نایل آید. سرانجام در ساعت ۱۰ شب عملیات مورخ ۷/۱۱/۶۵ بر اثر اصابت ترکش به پیشانی، سر و جان را تقدیم آستان ربوبی نمود. سه روز بعد از شهادتش پیکر مطهرش را به جزیره خارگ انتقال دادند و در تاریخ ۱۰/۱۱/۱۳۶۵ در قطعه شهدای امامزاده میر محمد خارگ به سایر گل های معطر بوستان حسینی پیوست .



سازمان جامع سرداران و دوازه شهید استان بوشهر